

نظام نامه مبارکه انجمن مشورت

بہائیان بمبئی و اطراف

هند وستان

—:—*×*×*—:—

طبع بنفقاته بالمطبعة المصطفوية

الكائنة بمبئي

سنة ١٣٢ هـ جريه

مقام الانسانية حيث قال عز من قائل كونوا كالا صابع
 في اليد والاركان للبدن وقوله عز وجل ليس القمطر
 لمن يحب الوطن بل لمن يحب العالم وليس الفضل لجنكم
 انفسكم بل لحب ابناء جنسكم وجعل زمام الامور
 واصلاح مهام الجمهور بيد فيض عبده المنصوص و
 سره المخصوص الذي انشعب عن الاصل القديم وتفرع
 من السدرة القديمة واخذ العهد من الكل بالتوجه اليه
 والتوسل بذيله وامرهم في البلاد ليشاورون في مصالح
 العباد كما قال في كتابه الاقدس المقدس قد كتب على
 كل مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل ويجتمع فيها القوس
 على عدد السماء وان ازداد لا بأس ويرون كأنهم
 يدخلون في محضر الله العلي الاعلى ويرون من لا يرى
 وينبغي لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان وو
 كلاء الله لمن على الارض كلها ويشاورون في امورهم



الحمد لله الذي ظهر واظهر ما كان مستورا في ازل الازال
 ومحجوبا في سرادق الجلال وهو لحفظ الائم وارثاء
 بني الادمر وكشف ما ستر في كينونة العالم واظهار ما
 كان مستورا من النعم كالروح الحيوه الابدان او الشمس
 الضياء الاكوان وامر عباده في البلاد برفع الشقاق
 وازالة النفاق من الافاق وطرز لهم لباس الاتحاد و
 البسهم ثياب الاتفاق وعلمهم وحدة الحقيقة وبلغهم

وَيُخْتَارُونَ مَا هُوَ الْمُخْتَارُ •
 ثُمَّ بَيْنَ الْمَبِينِ الْكِتَابَ مَا هُوَ الصَّوَابُ وَفَصَلَ الْخُطَابَ
 وَأَوْضَحَ الْمُنَاهِجَ وَأَوْقَدَ السَّرَاجَ فَعَلَى هَذَا قَدْ شَمِرَ
 السَّاقُ وَصَوَّرَ الْإِتْفَاقَ نَفُوسٍ مُقَدَّسَةٍ عَنِ النِّفَاقِ وَ
 مَطْهُرَةٍ عَنِ الشَّقَاقِ بِقُلُوبٍ صَافِيَةٍ زَاكِيَةٍ طَاهِرَةٍ مُنِيرَةٍ
 رَبَّانِيَةٍ وَقَامُوا وَاجْتَمَعُوا لِأَجْرَاءِ هَذِهِ الْمُنْحَةِ الْعَظْمَى وَ
 اثْبَاتِ هَذِهِ الْمَوْهَبَةِ الْكُبْرَى مِنْ سَكَانِ مَدِينَةِ بَيْئَتِي
 وَبَذَلُوا جُهْدَهُمْ وَبَذَلُوا رَاحَتَهُمْ بِالْمَشَقَّةِ الْفَاقِئَةِ فِي كُلِّ
 أُسْبُوعٍ مَرَّةٍ وَاحِدَةٍ وَعِنْدَ الضَّرُورَةِ بِمَقْدَارِ الضَّرُورَةِ
 عَلَى شُرُوطِ الْمَقْرَرَةِ وَعَهْدِ الْمَهْدَةِ الَّتِي فَصَلَ فِي أَبْوَابِ
 الثَّلَاثَةِ أَيُّ رَبِّ أَيْدِهِمْ بِتَأْيِيدَاتِكَ الْمُتَتَابِعَةِ الْمُتَوَاصِلَةِ مِنْ
 مَلِكُوتِكَ الْإِلَهِيِّ وَتَوْفِيقَاتِكَ الْمَفِيزَةِ عَلَى كُلِّ الْوُجُودِ
 مِنَ الْغَيْبِ وَالشَّهُودِ أَنْتَ الْوُدُودُ وَصَنَّهُمْ مِنْ شَرِّ
 الْأَعْدَاءِ وَرَجُومِ أَهْلِ الْبَغْضَاءِ أَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ •

پوشیده نماید که مندرجات این نظام نامه در ضمن
 سه باب مذکور میشود • نخست در تنظیمات راجعه
 بانجمن • سپس در ترتیب اخذ اعانه و جلب نفع •
 سوم در امور راجعه بانتخاب و کلاء و اعضاء انجمن
 — باب اول در تنظیمات —

(و دران چند فصل است)

• فصل اول •

اعضای محترم این انجمن در حین ورود باید چنان
 تصور کنند که بمحضر الهی حاضر میشوند یعنی رانحه
 وجودی از خود استشمام نمایند و بما اراده الله از
 اراده خویش بگذرند کاملت بین یدی الغسل
 بحرکم احکام الله باشند
 • فصل دوم •
 بابداین نفوس منتخبه قلوب خویش را از هر الیشی

پاك و مقدس سازند بقسميكه با احدى از افراد عالم
عموماً نفاق و شقاق و بغض و حسد نداشته باشند و
در كردار و گفتار ممتاز گردند تا قلوبشان محل تجلی
انوار الهی شود

❖ فصل سوم ❖

هميك از اعضاء این انجمن محترم باید خود را امین
و وکیل و دوستدار افراد ملت دانند و در کمال همت
بمحافظت و محارست کل قیام کنند چنانچه در امور
خویش قیام دارند بلکه محکمو

❖ فصل چهارم ❖

باید این نفوس مقدسه مشقات و صدمات و زحمات
وارد بر خود را در اجر آء امر الله موجب اجر جمیل
دانند و ابداً بر احدى منت نکذارند و همین توفیق را
جزای ابدی دانند و از احدى اجر و مزدی نخواهند

❖ فصل پنجم ❖

چون مطایبی در انجمن مـذا کره می شود کل باید در
کمال توجه گوش دهند و فکر کنند و از حق جل جلاله
طلب تأیید نمایند که از زبانشان فتح ابواب خیر بشود
و از روی دقت جوابی مقرون بصواب بگویند

❖ فصل ششم ❖

پس از عنوان مطلب رئیس انجمن رأی خواسته و
جمع ساکت نشینند تا آن شخص مسئول رأی خود را
کاملاً اشکار سازد و هکذا الی آخر و بعد از آن رئیس
نیز رأی خود را اظهار کند پس از اقامه برهان هرگاه
رأی کل موافق بود فتم المراد والا بانهايت ادب و
شفقت و مهربانی در قوت وضعف ادله خود گفتگو
نمایند تا از تراکم افکار نور اتفاق ساطع شود و یا
اکثریت آراء حاصل گردد و بآن عمل فرمایند

﴿ فصل هفتم ﴾

جایز نیست احدی در بین سخن دیگری سخن گوید
و اگر مطلبی دارد باید صبر نماید تا سخن آن شخص تمام
شود و بعد مطلب خود را اظهار نماید

﴿ فصل هشتم ﴾

کفتگوی انجمن باید منحصر باشد در اصول و
فروع مسائل روحانی که از قلم اعلی نازل شده و
تجاوز جایز نیست

(فصل نهم)

باید افراد اعضای انجمن محترم در کمال ادب و احترام
با یکدیگر رفتار کنند و سبب رنجش یکدیگر نشوند
هرگاه العیاذ بالله رفتار و گفتار نفسی اسباب رنجش
دیگری شد پس از ثبوت در انجمن باید شخص
متعدی مبلغ نه روپیه بصندوق اعانه برساند و از آن

شخص معذرت خواهد

﴿ فصل دهم ﴾

هر مسئله که مطرح مذاکره شد و اتفاق آراء و یا اکثریت
آراء در آن باب تحقق یافت باید دفتر دارد همان انجمن
ثبت دفتر نماید که برای ایندکان استبصاری باشد

﴿ فصل یازدهم ﴾

هرگاه وقتی یک نفر از اعضا انجمن رامانی از حضور
در مجلس حاصل شد باید پیش از وقت انعقاد مجلس
برئیس مجلس اطلاع داده و یکی از اعضا انجمن را
وکیل در رای دادن نماید و این در صورتیست که
عذر موجه داشته باشد و لایک روپیه بصندوق
اعانه باید برساند

﴿ فصل دوازدهم ﴾

باید اعضا مجلس تماماً در ساعت معین در انجمن

حاضر باشند هرگاه نفسی تخلف نمود و تا پانزده دقیقه خودش و یا خبرش نرسید باید مبلغ يك روپيه باعانه خبريه برساند

﴿ فصل سیزدهم ﴾

باید هر مطایبی که شروع شود بانجام رسد و در آن بین شروع در مسئله دیگر ننمایند اگر چه چندین روز طول بکشد الا عند الضروره

﴿ فصل چهاردهم ﴾

احکام صادره از مجلس را باید اعضای انجمن متفقاً در اجرايش قیام کنند و احدی خود را معاف نداند و اطاعت آن او امر بر احاد افراد ملت فرض و واجب است و تخلفش جایز نیست

﴿ فصل پانزدهم ﴾

هرگاه خدای نخواسته یک نفر از اعضای انجمن از

فصول مقررہ تخلف ورزد باید اعضای مجلس در مرتبه اول بزبان شفقت او را آگاه ساخته و نصیحت کنند و در مرتبه دوم عموماً سرزنش و توبیخ نمایند و مبلغ نه روپيه از او گرفته بصندوق اعانه برسانند و هرگاه در مرتبه سوم تخلف نمود از ورود در انجمن محترم ممنوع خواهد بود و ابداً بعضویت قبول نخواهد شد هرگاه اجزاء لازم دانستند باتفاق اراء دیگری را بجای او عضویت دهند

﴿ فصل شانزدهم ﴾

بر اعضای انجمن لازم است که در میان خود بحکم اتفاق یک نفر برای ریاست و یک نفر برای دفتر داری و یک نفر برای تحویل داری اعانه و غیره و یک نفر بجهت مهر داری و حفظ اسناد انتخاب نمایند که هرگاه تنخواهي تسلیم شود بتحویلدار اولاً دفتر دارا داره و

بعد خود تحویلدار ثبت نمایند و از تحویلدار سند گرفته
بضابط اسناد بسپارند و چون سندی و حواله و برائی
از مجلس نوشته شود باید بمهر مجلس و امضای رئیس
و ثبت دفتر باشد و بغیر آن تحویلدار نباید چیزی بدهد

❖ فصل هیفدهم ❖

در احز هر ماه دفتر دار صورت دخل و خرج را با اعضای
انجمن ارائه کنند و کل یای دفتر را امضا نمایند

❖ فصل هجدهم ❖

چون حوادث عالم امکانی بسیار است هر کاه برای
یک نفر از اعضای انجمن سفر طولانی و یا مرض جسمانی
و یا غیر آن پیش آید که حضورش ممکن نباشد در
حین لزوم سایر اعضا بحکم اتفاق شخصی را بجای
او انتخاب و عضویت دهند

(فصل نوزدهم)

باید دانست که این انجمن مسترو همیشه است تعطیل
و تعویق و تغییر وقت منوط است بمقتضیات زمان و
اختلافات اوقات

(فصل بیستم)

هر کاه بتأییدات الهیه انجمنی در اطراف و نواحی بمبئی
تشکیل شد در مسائل مشکله و مطالب مهمه باید
رجوع کل بانجمن محترم مرکزی باشد تا بدقت تمام
و بصیرت کامله در حل مشکلات و رفع مهمات بنحو
صواب بکوشند که کل متحد الرأی و متفق الکلمه
در اجرای اوامر الله و نشر نفعات الله و تبلیغ امر الله
قیام نمایند

(فصل بیست و یکم)

باید در رأس هر سنه در باب رئیس و تحویلدار و دفتر
دار و مهردار مشاورت شود یا همان نفوس را مجدد

برقرار داشته و یادگیری را بامضای کل برای هریک از این امور انتخاب نمایند یعنی باید دانست که این مناصب ابدی نیست و در آخر هر سال این انتخاب تجدید خواهد شد

(فصل بیست و دوم)

باید در زمان انتخاب سایر اعضای انجمن بدون حضور صاحبان مناصب در منافع و مضار و کفایت و درایت ایشان مذاکره نمایند و بحکم فصول انتخابیه عمل نمایند

(فصل بیست و سوم)

رئیس انجمن مکلف است که در اجراء و تنفیذ فصول نظام نامه نهایت دقت و همت را بجا دارد که هیچیک فوت نشود و نظم و ترتیب دیگر کون نکرده و سایر اجزا نیز مکلفند باطاعت و انقیاد

(فصل بیست و چهارم)

مطالب راجعه بمجلس را شخص رئیس قبل از انعقاد مجلس یاد داشت نموده چون مجلس تشکیل گشت هریک را مطرح مذاکره نماید و از فرد فرد رأی بخواهد و هریک رأی خود را ملفوظاً و یا مکتوباً کشف و اظهار نمایند چنانکه سابقاً مذکور شد

(فصل بیست و پنجم)

مذاکرات مجلس را باید مستور داشت مگر آن چیزی را که بحکم شور باید اشاعه نمود

(فصل بیست و ششم)

هر گاه یکی از اعضای مجلس نفی برای پیشرفت امر الله و ترقی ملت و خیر عموم کشف نمود و کل تصدیق کردند از مجلس یکدرجه امتیاز باو داده خواهد شد و آن عبارت از ورقه مخصوصه بامضای کل و مهر مجلس

است که افکار را در خانواده او باقی میماند

(فصل بیست و هفتم)

هر گاه در میان دو نفر و یا زیاده از اولیاء الله کراهتی و یا منافرتی و یا اختلافی واقع باید فوراً بحکم مشاورت در اصلاح آن بکوشند که مبادا میان احباب ناراضغینه و بغضا افروخته گردد و روحانیت مطلوبه مرتفع گردد

(فصل بیست و هشتم)

در هر سه سال باید مجدداً چنانچه در فصول انتخابیه مذکور خواهد شد انتخاب اعضا شود بکمال دقت و صحت

(فصل بیست و نهم)

خواه در آخر سال که در باب انتخاب رئیس و دیگر صاحبان مناصب مشاورت می شود و یا در آخر سه سال که عموم در انتخاب اعضا کلیه رأی میدهند نفوس

مختارند که یکی از همان اعضاء سابقه را انتخاب کنند و یا نفسی از احباب را که هیچ از اعضا مجلس نبوده (فصل سی ام)

باید اعضای مجلس در آخر هر شش ماه دخل و خرج مجلس را بدقت رسیدگی نموده خلاصه صورت آنرا طبع و نشر در بین وجوه احباب نموده تا عموماً بدانند که در آن مدت دخل و خرج چه بوده (فصل سی و یکم)

باید همیشه مصارف لازمه را مقدم داشت ملاحظه الایم فالایم را بیاید از دست داد (فصل سی و دوم)

باید افراد ملت را از تنبلی و بیکاری محافظه و محاربه نمایند و علی اختلاف المراتب ایشان را مشغول کاری سازند که اسباب توسعه معاش و وسیله ثروت آنها گردد

(فصل سی و سوم)

در حفظ حدود و شؤون و مراتب محتاجین کمال
ملاحظه لازم که مبادا افراط و تفریطی واقع شود و عند
الله مسئول گردند

(فصل سی و چهارم)

دفتر دخل و خرج و دفتر شور باید متعدد باشد که
مطالب راجعه بهر يك در همان دفتر نوشته شود

(فصل سی و پنجم)

پس از این هر قانونی بنظر آمد و کل امضا نمودند
باید جزء کتابچه قانون شود

(فصل سی و ششم)

چون مذاکرات مجلس باید مستور باشد هرگاه شخصی
مطلبی راجع بمجلس داشته باشد باید بر رئیس بنویسد
و جواب بخواهد و اگر مطلبی باشد که باید از آن شخص

و یا غیران پرسش شود و اظهار نمایند باید او را در
وقت معین خواسته همنیکه اظهارات خود را نمود
خارج شود تا اهل مجلس بمذاکرات خود برسند

(فصل سی و هفتم)

هر يك از اعضا باید بکمال ازادی و حریت رای خود
را اظهار کنند و ابدا ملاحظه از احدی جز خداوند
نمایند و جمیع خلق عالم را بنظر واحد نظر کنند و هیچ
غرضی او را مانع از اظهار حق نکردد

(فصل سی و هشتم)

باید اعضای انجمن در اجرای احکام الله بر حسب
افتضالات مقام و زمان و تبلیغ امر الله و وسایل تنفیذ
امور پیوسته سعی باشند تا عموم خلق بما اراده الله
فاثر گردند

(فصل سی و نهم)

هر يك از افراد اعضای انجمن باید بصیر در احکام و اردات الهیه باشند و بموازین کلیه خیر تا نتایج مطلوبه از ایشان بظهور آید

(فصل چهل)

پس از عقد انجمن در زمان مذاکره و گفتگو استعمال دخانیات و مأكولات جزآب ممنوع است

(فصل چهل و یکم)

اسناد و قرار داد ها و غیرها که میخواهند باطلاع مجلس باشد باید پس از ثبت دفتر بمهر مجلس و امضای رئیس موشح گردد

(فصل چهل و دوم)

هر گاه شخصی بخواهد از عضویت استعفا دهد زیرفته نخواهد شد مگر وقتی که بتصدیق اعضاء

عذر موجهی داشته باشد

(فصل چهل و سوم)

هر گاه بواسطه ارتکاب یکی از اعضاء انجمن با فعالیکه مورث اهانت انجمن است پس از نصیحت تارك نشد از عضویت خارج خواهد بود

(فصل چهل و چهارم)

هر نفسی که بواسطه خطائی از عضویت خارج شده بار دیگر بعضویت قبول نخواهد شد

(فصل چهل و پنجم)

تحویلات ابدال مجاز نیست دیناری باحدی بدهد الا بشروط مزبوره در فصل شانزدهم

(فصل چهل و ششم)

هر يك از صاحبان مناصب را لازم است که نائی از اعضای انجمن انتخاب نمایند که تا در وقت ضرورت

شغل راجع بان شخص بر زمین نماند

(فصل چهل و هفتم)

باید اعضای مقدسه در حین انعقاد مجلس و قبل از شروع در مسائل دعای خیر در حق خود و دولت متبوعه خود بنمایند و از حق طلب توفیق و تأیید کنند

(فصل چهل و هشتم)

رای صاحب منصبان مجلس و سایر اعضا در امور متساویست و رای احدی بر احدی ترجیح ندارد

الا باقاة دلیل

(فصل چهل و نهم)

هر گاه شخصی از افراد اعضای انجمن بایک فرد دیگر از اعضای انجمن و یا خارج طرف گفتگو شوند که بمحکومت انجمن باید قطع و فصل شود تا زمانی که آن گفتگو ختم نشده الشخص از عضویت خارج است

و چون ختم عمل شد باز داخل و رایش در امور مقبول خواهد بود

(فصل پنجاهم)

هر گاه حکمی از مجلس بشروط مقرر صادر شد کسی حق ایراد و مذاکره سوء و توهین ندارد اگر نفسی از اعضا در صدد توهین و مذاکره برآمد باید او را از عضویت خارج نمایند هر گاه فوراً نادم و پشیمان شد باید چهل و پنج روپیه بصدوق اعانه تقدیم نموده تا بر عضویت برقرار ماند و اگر نفسی غیر از اعضای انجمن توهین کند و یا نسبت خطا دهد باید عموم احباء الله او را بقدری ملامت و سرزنش نمایند که نادم شود و از خطای خود توبه نماید چه که حکم صادره از انجمن حکم الله است و مخالفت مخالفت فرمان الهی است

در مقامی که شایسته راجه است و در مقامی که شایسته
است و در مقامی که شایسته است

(در مقامی که شایسته است)

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است
در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است
در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

نظام نامه مبارکه انجمن مشورت

بهائیان بمبئی و اطراف

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است

در مقامی که شایسته است و در مقامی که شایسته است